

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
Urban Image as a Reflection of Urban Identity
Examining the Link between the Concepts of Urban Image and Urban Identity in the Historical Texture of Gorgan
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

سیمای شهری انعکاسی از هویت شهر

ارتباط مفهوم هویت و سیمای شهری در بافت سنتی شهر گرگان*

امین مقصودی^{۱*}، میترا سراجیان نامی^۲، زهرا نظری^۳، مهدی توکلی^۴، فرزانه حاج عبدالباقی^۵، فاطمه متمسک^۶، کیمیا مجتبیوی^۷

۱. پژوهشگر دکتری معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۷. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۹ تاریخ اصلاح: ۹۸/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۲۰ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۱/۰۱

چکیده

شهر گرگان، الگویی از شهرسازی تاریخی در اقلیم شمال کشور است. سیمای این شهر در مقایسه با شهرهای کویری مرکز ایران، هویت متفاوتی دارد که سبب تمایز آن می‌شود. ضرورت این پژوهش از آن جهت است که بافت تاریخی شهر گرگان بدون توجه به مفهوم هویت در سالیان گذشته دچار نوسازی شده که در نتیجه این فرآیند سیمای هویت‌مند آن در حال نابودی بوده و به جای آن معماری و شهرسازی بی‌هویتی در حال توسعه و گسترش است. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است که چه عامل و یا عواملی در شکل‌گیری هویت سیمای شهر گرگان دخیل‌اند؟ و تأثیر عدم توجه به این عوامل در فرآیند نوسازی بافت تاریخی شهر گرگان به چه صورتی قابل تفسیر است؟ پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات برای پاسخ به سؤالات مطرح‌شده، دو روش کتابخانه‌ای و روش مشاهده میدانی را شامل می‌شود. مهم‌ترین نتایج حاصل از این پژوهش آن است که هویت سیمای شهری متأثر از شاخصه‌های اقلیمی و منطقه‌ای (فرهنگی) است که در اجزای سیمای شهری متبلور می‌شوند و عدم توجه به این عوامل در سیمای شهری می‌تواند به از بین رفتن حس مکان و تعلق ساکنان منتهی شود.

واژگان کلیدی: سیمای شهری، هویت شهری، منظر شهری، بافت تاریخی، گرگان.

مقدمه

پایدار، غنی، راحت و توأم با آسودگی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها دنبال می‌نمایند، لیکن به لحاظ سیما و شکل ظاهری با یکدیگر تفاوت دارند؛ به گونه‌ای که می‌توان به تعداد تمام شهرها در طی تاریخ، گونه‌های مختلف سکونتگاهی شناسایی کرد. درواقع همچنانکه انسان‌ها با هم متفاوتند و حتی هیچ دو انسانی را نمی‌توان در تمام جهات و زمینه‌ها یکسان یافت، مصنوعات ساخت دست و حاصل تفکر انسان‌ها نیز با یکدیگر متفاوتند و کمتر دو مصنوع بشری را می‌توان یافت که یکسان و مشابه باشند (دانشپور، ۱۳۸۳). این عدم شباهت سکونتگاه‌ها به یکدیگر در گذشت زمان موجب شکل‌گیری هویت خاص و منحصر به فرد برای هر یک از آنها شده است (همان). بنابراین

شهر را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بشر در طول تاریخ دانست زیرا به واسطه آن می‌توان محیطی را برای گردهمایی هم‌نوعان خود پدید آورد و اندیشه‌های خود را در مورد سکونت و نحوه زندگی به نمایش گذارد. در طول تاریخ شهرهای زیادی به‌دست بشر ساخته شده‌اند که اگرچه همگی تقریباً اهداف مشترکی از قبیل فراهم‌آوردن محیطی امن،

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی گردشگری «منظر بومی گرگان» است که در سال ۱۳۹۸ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» صورت پذیرفته است.

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۶۳۳۴۶۳۷۶، ammagsudi@gmail.com

شهری عمدتاً از مشاهدات میدانی و ابزارهای برداشت کروکی و عکس برداری استفاده شده است.

مبانی نظری • سیمای شهری

سیمای شهری یکی از موضوعاتی است که در ارتباط نزدیک با مفهوم منظر شهری قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، سیمای شهر را باید یکی از اجزای تشکیل‌دهنده منظر شهری برشمرد (همان). کالن برای تشریح مفهوم منظر شهری به ویژگی‌های بصری مانند زمین، شکل، کاربری و نحوه بهره‌برداری اشاره می‌کند و از طرف دیگر ویژگی‌هایی را بحث می‌کند که در ارتباط با درک، احساس و ارزش‌های معنوی بودند (کالن، ۱۳۸۷، ۲۸). در واقع او یک جنبه کالبدی و یک جنبه غیر کالبدی را برای منظر قائل می‌شود. این همان خصوصیتی است که «منصوری» نیز برای تعریف منظر شهری به آن اتکا می‌کند: «منظر شهری فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادراک نمادهای آن (ابعاد کالبدی) و تداعی معانی مرتبط با آنها (ابعاد ذهنی و خاطره‌ای) صورت می‌گیرد» (منصوری، ۱۳۸۳). بر این اساس منظر شهری از دو جزء تشکیل شده است؛ بعد کالبدی (عینی) و غیر کالبدی (ذهنی). سیمای شهری در واقع آن بخش از منظر است که به دیده می‌آید و چشم قادر به تماشای آن است، یعنی بخشی از منظر که تمام عناصر کالبدی، صفحات کف و بدنه فضاهای شهری را شامل می‌شود (تصویر ۱).

اهمیت سیمای شهری (بصری) از آن روست که امکان قرائت محیط را به مثابه یک متن فراهم می‌آورد. تنها در آینه سیمای شهری است که ابعاد ناملموس منظر شهری نظیر حیات مدنی، فقر و غنا، سلطه نهادها و ارزش‌های معین، سلايق زیبایی‌شناختی خرده‌فرهنگ‌ها، عمق تاریخی شهر، میزان ایمنی و امنیت جامعه، چگونگی احترام به قراردادهای اجتماعی و غیره از طریق نظامی از نشانه‌ها امکان تجلی و بروز یافته و ارزیابی مثبت و منفی را میسر می‌سازد (گلکار، ۱۳۸۷). بنابراین می‌توان سیمای شهری را مجموعه پیچیده‌ای از نشانه‌های کالبدی دانست که خوانش و مطالعه

می‌توان این‌گونه بیان کرد که سیماهای شهری متفاوت همزمان بیان‌کننده و نمایش‌دهنده هویت‌های مختلف‌اند. در نگاه اجمالی آنچه آدمی را هویت می‌بخشد لباس اوست و آنچه شهری را از دیگری جدا می‌کند سیمای آن است (زاهدان و مسعود لواسانی، ۱۳۹۳). به همین دلیل است که برای یک شهر کویری یک هویت خاص و برای یک شهر کوهستانی هویت دیگری متصور می‌شوند زیرا اساساً سیمای شهری این دو محیط انسان ساخت متفاوت از یکدیگر است و ما در صورت مذاقه در سیمای شهری قادریم که هویت شهری آن را تشخیص دهیم. مسئله هویت و شناخت عوامل اثرگذار آن در شکل‌دهی سیمای شهری به خصوص در شهرهای تاریخی امروزه به موضوعی بسیار مهم و مورد توجه بدل شده است. به خصوص آنکه امروزه شاهد آن هستیم بسیار بافت‌های ارزشمند و تاریخی در شهرهای مختلف به بهانه نوسازی مورد مداخله قرار می‌گیرند که در بیشتر موارد مداخلات انجام‌گرفته بدون توجه به مفهوم منظر شهری، سیمای شهر و عوامل هویت‌ساز آن صورت پذیرفته است و در نتیجه آن بسیاری از بخش‌های هویت‌مند سیماهای شهری و به تبع آن منظر شهری مورد تخریب قرار گرفته‌اند.

سؤال پژوهش

با توجه به آنچه درباره سیمای و هویت شهری بیان شد این نوشته این سؤال‌ها مطرح می‌شود:

- هویت سیمای یک شهر متأثر از چه عواملی است؟
- تأثیر عدم توجه به این عوامل در فرآیند نوسازی بافت تاریخی شهر گرگان به چه صورتی قابل تفسیر است؟

روش پژوهش

برای پاسخ به سؤال اول پژوهش، این نوشته ابتدا مفاهیم سیمای شهری و هویت شهری را مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس می‌کوشد عوامل هویت‌ساز شهری را مشخص کند. در ادامه این نوشته و پس از مشخص شدن عوامل هویت‌ساز به بررسی تحلیلی- توصیفی سیمای شهری و چگونگی شکل‌گیری آنها براساس عوامل هویت‌ساز مطرح‌شده می‌پردازد. همچنین به منظور پاسخ‌دهی به سؤال دوم، این نوشته با رویکردی انتقادی به تحلیل اقدامات انجام‌شده در فرآیند نوسازی و تأثیر آن بر بافت تاریخی گرگان می‌پردازد. روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش به دو بخش تقسیم می‌شود؛ در بخش اول برای شناخت مبانی نظری موضوع پژوهش و همچنین آشنایی با بافت تاریخی شهر گرگان روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای در نظر گرفته شده است و در بخش دوم، در بررسی اجزای سیمای



تصویر ۱. اجزای تشکیل‌دهنده منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۲. چگونگی شکل‌گیری فرایند «این‌همانی». مأخذ: نگارندگان.

بین آنها وجود نداشت. در مقابل دیدگاه‌های مکانیستی و پس از نتایج آن، نگاهی جدید به شهر و محیط‌های انسان‌ساخت پدید آمد که باعث شد جنبه‌های غیرکالبدی شهر نقش به‌سزایی را در شناخت از شهر بر عهده گیرند. این نگاه شهر را به عنوان سیستمی زنده (ارگانیک) نه تنها متشکل از کالبد، بلکه حاصل روابط انسان‌ها و تجارب آنها، روندهای اجتماعی و محصول طبیعت می‌دانست (پارک، ۱۳۵۸ به نقل از آتشین‌بار، ۱۳۸۸) و معتقد بود که شهر به مثابه تبلور آیین و اندیشه جامعه نمی‌تواند در تمدن‌های مختلف به طور یکسان پدید آید (نگارستان، تیموری و آتشین‌بار، ۱۳۸۹). در این دیدگاه، شهر ورای کالبد، کیفیت و حدی را در درون خود در جریان دارد که سبب تشخیص مکان‌ها و یا شهرها از یکدیگر می‌شود. این عامل تمایزدهنده یک شهر را می‌توان هویت آن شهر نامید (شیعه، ۱۳۷۶، ۴؛ لینچ، ۱۳۸۰، ۱۵۷). بنابراین هر محیط انسان‌ساختی، مانند هر انسانی، هر پدیده‌ای و هر شی، واجد هویتی مخصوص به خود است که این هویت، ناظر بر خصوصیات از محیط است که در شرایط مختلف قابلیت تمییز و تشخیص عنصری را از عناصر دیگر فراهم می‌آورند (دانشپور، ۱۳۸۳). هویت و شخصیت شهر از چهره کلی آن و در کلام کارشناسی از منظر آن قرائت می‌شود (زاهدان و مسعود لوسانی، ۱۳۹۳) و به طور حتم در سیمای شهری که یکی از اجزای تشکیل‌دهنده منظر شهری است صورت می‌یابد.

• عوامل هویت‌ساز در سیمای شهری

بنابر آنچه بحث شد هویت هر شهر به طور کلی در سیمای آن شهر جسمیت می‌یابد که این مفهوم از بخش‌هایی چون خیابان، شبکه ارتباطی، بافت، چشم‌انداز شهر، نقاط عطف، فرم و شکل بناها، مقیاس، دانه‌بندی، نسبت توده به فضا، تراکم، نفوذپذیری، میلمان شهری و نشانه‌ها، مصالح، جزئیات اجرایی و رنگ تشکیل شده که هر یک از آنها به تنهایی می‌تواند انعکاسی از مفهوم هویت شهر در خود داشته و متأثر از آن باشند (کسروی، ۱۳۹۱).

اما نکته مهم در این میان آن است که چه عامل و یا عواملی

انها می‌تواند ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع را به منصف ظهور رساند. سیمای محیط‌های سکونتگاهی به مثابه زمینه‌ای عمل می‌کند که ادراک، شناخت و ارزیابی محیطی شهروندان و بازدیدکنندگان را فراهم می‌آورد و در نتیجه این فرایند خوانش منظر شهری شکل می‌گیرد (همان).

• هویت

معمولاً برای هویت معانی نظیر؛ حالت مشابهت کامل، همان‌بودن و یکی‌بودن، حالت شی یا شخصی خاص‌بودن نه چیز دیگر، ویژگی‌های خاص متعلق به فردی مشخص (فردیت) بیان می‌شود (پیران، ۱۳۸۴، ۶). این معانی اشاره به حالتی دارند که به واسطه آن یک پدیده، شی یا فرد از دیگری تمییز می‌شود و به صفاتی مترتبند که حاصل عمل آن پدیده و معرف ویژگی‌های معنوی آن است که در ظاهر و کالبد تجلی یافته است (نصر، ۱۳۹۶). هویت را می‌توان به معنی وجود خارجی در نظر گرفت که به سبب آن تشخیص و تشخیص صورت می‌گیرد؛ مجموعه‌ای از علائم، نشانه‌ها، آثار مادی، زیستی، فرهنگی و روانی که موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه، اهلیتی از اهلیت دیگر و یا فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود (محرمی، ۱۳۸۳، ۶۷ به نقل از آتشین‌بار، ۱۳۸۸). بنابراین بایستی هویت را منتج از مجموعه ویژگی‌های ظاهری و خصوصیات غیر کالبدی دانست که در کنار یکدیگر سبب شکل‌گیری کیفیتی ذهنی و معنوی و در فرایندی منجر به تمایز و تفاوت پدیده‌ها با یکدیگر می‌شود. این فرایند «این‌همانی» گفته می‌شود به این معنی که این پدیده همان است که من در ذهن دارم. یعنی شناخت مشخصات و ویژگی‌های هویت‌سازی که متعلق به یک پدیده است و در پدیده دیگر تکرار نمی‌شود و سبب تشخیص و اصالت آن پدیده می‌شوند. البته شناخت در فرایند این‌همانی متکی بر وجوه ذهنی است (واعظی و علیمردانی، ۱۳۹۷) (تصویر ۲).

• هویت شهر

دو طرز تفکر را می‌توان درباره شهر بیان کرد، نگاهی که منتج از دیدگاه‌های مکانیستی، شهر را در کالبد خلاصه می‌کند و برای شهر چهار کارکرد اساسی سکونت، کار، تفریح و حمل و نقل تعریف می‌کند که ریشه این نگاه در دیدگاه‌های «لوکوربوزیه» و کنگره «سیام» نسبت به شهر کارکردی، دیدگاه جهانی و بین‌المللی به شهرسازی است. این نگاه بر این باور بود که می‌توان با حذف خصوصیات و ویژگی‌های محلی و فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... شهرهایی یکسان و مشابه را در نقاط مختلف جهان پدید آورد. نتیجه این دیدگاه ایجاد شهرهایی بود که فاقد تفاوت و تمایز بودند و امکان تمییزدادن

دروۀ ایلخانی به طور مداوم در قالب شهر و از مراکز مهم سلسله‌های اسلامی زیاریان، علویان، سامانیان و سلجوقیان به شمار می‌آمده است. دوران حکومت قاجاریه، در تاریخ این شهر دورانی ویژه به حساب می‌آید. در این دوران آبادانی و رونق این شهر در عین وابستگی به موقعیت طبیعی ارزشمند و نیز قرارگرفتن در مسیر تجاری مهم ابریشم، تا حد زیادی وابسته به تمایلات سیاسی شاهان قاجار و سیاست خارجی آنان در ارتباط با روسیه بوده است **(قلیچ‌خانی، اعتصام و مختاباد امرئی، ۱۳۹۲)**. سیر تحول آنچه در حال حاضر بافت گرگان نامیده می‌شود، حاکی از تجمع اولیه سه محله اصلی سبزه‌مشهد، میدان و نعلبندان است که به تدریج و تا امروز در جهات مختلف به خصوص شرق و جنوب شرقی گسترش یافته‌اند. مساجد، مدارس، حمام‌ها، تکایا و بازارهای قدیمی و مجموعه‌های تاریخی و امامزاده‌ها از عناصر شاخص بافت قدیم شهر گرگان هستند. بافت تاریخی شهر گرگان در سال ۱۳۱۰ خورشیدی در فهرست میراث ملی ایران به ثبت رسید که محدوده آن منطبق بر محدوده قاجاری شهر است. شهر گرگان در دوره قاجار ۶ محله بزرگ به نام سرپینو، دربنو، سرچشمه، میخچه‌گران، نعلبندان، سبزه مشهد و میدان داشت که هرکدام شامل چندین محله فرعی می‌شدند **(تصویر ۴)**. هرکدام از این محله‌ها واحدهای مستقل شهری بودند و هرکدام علاوه بر بازار دارای مسجد یا تکیه، حمام، مدرسه و آب‌انبار اختصاصی بودند که کم و بیش تا امروز شکل خود را حفظ کرده‌اند **(موسوی سروینه باغی، مرادی و**

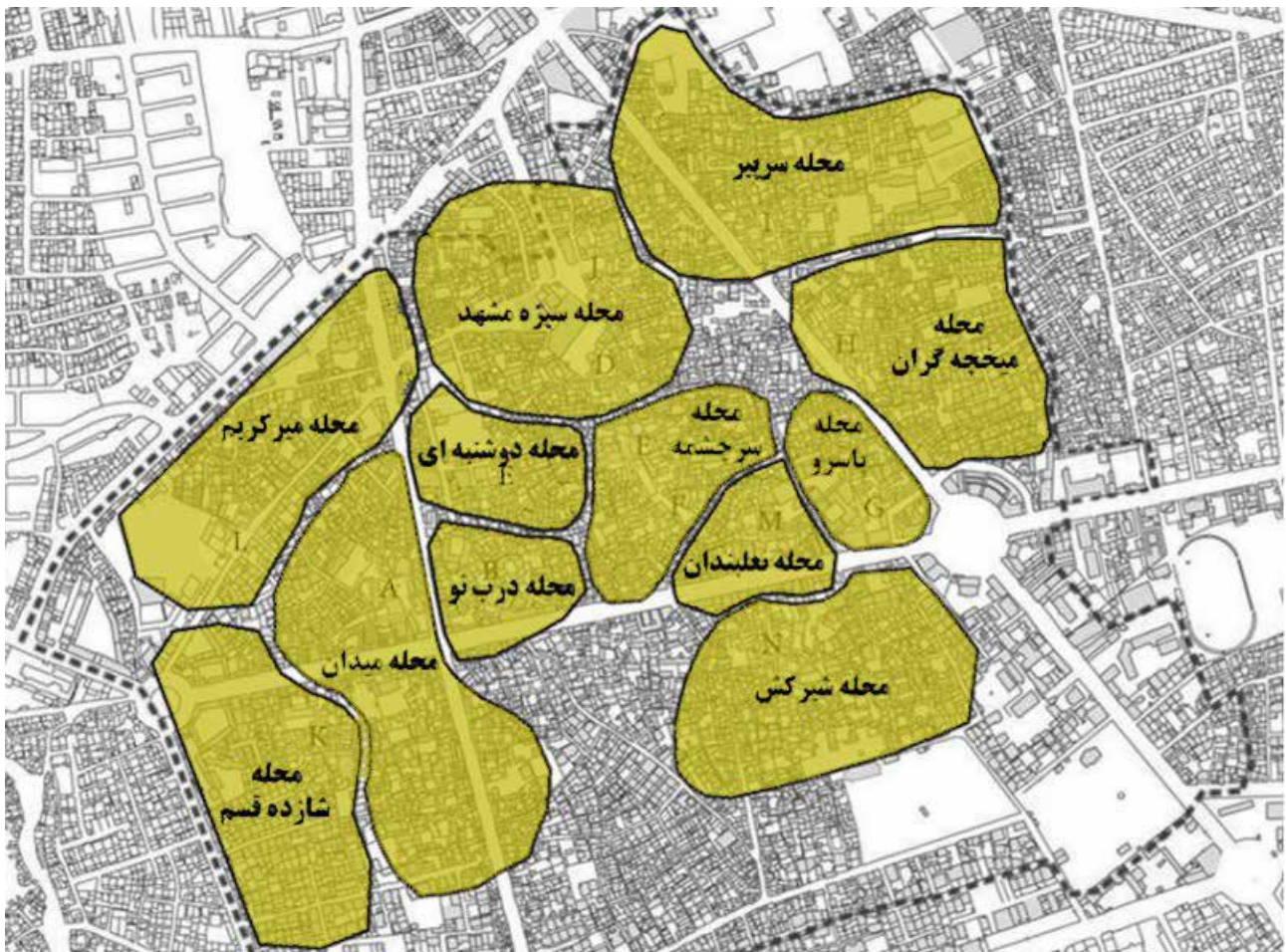
قادرند بر اجزای سیمای شهری اثر گذارند تا در عینیت منحصر به فردی، هویت خاصی را سبب شوند. نمود ظاهری یک شهر در نگاه نخست می‌تواند متأثر از عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد. از این‌رو شناخت شاخص‌های اقلیمی بستر فعالیت‌های انسانی می‌تواند به درک و تحلیل بهتر اشکال مختلف زندگی، فعالیت‌های انسانی و تأثیر آن بر سیمای شهر بیانجامد. شاخص‌های اقلیمی متأثر از عوامل طبیعی، زیست‌محیطی و جغرافیایی‌اند و به عنوان اولین عامل هویت‌بخش به سیمای یک شهر و اجزای آن تلقی می‌شوند. این عوامل می‌توانند شامل این عناصر باشند: میزان بارش، دما، رطوبت، باد و غیره منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، ساختار زمین‌شناسی، مکان‌نگاری و پوشش گیاهی و ... **(غراب، ۱۳۹۰، ۵۹)**. عامل دیگری که سیمای شهری از آن می‌تواند متأثر باشد شاخص‌های منطقه‌ای است که این عامل اشاره به وجه انسانی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی یک منطقه دارد. علوم، فنون، مهارت‌ها، اندیشه‌ها، روش‌های تولید، آداب و رسوم و عقاید در این دسته طبقه‌بندی می‌شوند **(همان، ۶۰) (تصویر ۳)**.

یافته‌های پژوهش

شهر قدیم گرگان واقع در بخش مرکزی شهر دشت گرگان، مهم‌ترین بخش این پهنه دشت فرهنگی به شمار می‌آید. این شهر در عصر ساسانی به صورت قلعه‌ای نظامی با برج و باروهای بلند آرایش یافته بود و از قرون اولیه اسلامی تا



نصویر ۳. عوامل تأثیرگذار بر اجزای سیمای شهر. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۴. وضعیت کنونی محله‌های بافت سنتی شهر گرگان. مأخذ: موسوی سروینه باغی و همکاران، ۱۳۹۴.

۱. بخش شالوده یا پایه که ساختمان را به زمین و کف خیابان متصل می‌کند و بخشی از نماست که غالباً توسط بیننده مورد توجه واقع می‌شود. ۲. بخش میانی که در برگزیده طبقات اصلی و ردیف پنجره‌هاست. ۳. بخش بام که به وسیله خط بام به آسمان متصل می‌شود (Moughtin et al, 1999, 27 به نقل از عطارد و کاشی، ۱۳۹۳، ۲)؛ (تصویر ۵).

بخش شالوده و پایه عمدتاً از آجر و سنگ تشکیل شده است. به دلیل میزان رطوبت بالای زمین در شهر گرگان، این بخش از نفوذ رطوبت به بخش‌های بالایی بدنه جلوگیری می‌کند و از این طریق استحکام کافی دیوار را سبب می‌شود. در بخش میانی بدنه شاهد استفاده از ملات سیمگل و همچنین آجر هستیم. سیمگل در واقع یک مصالح بوم‌آورد است که برای جلوگیری از نفوذ باران و کچ‌باران به بدنه ساختمان زده می‌شود و علاوه بر آن به عنوان یک عنصر تزئینی از آن بهره برده می‌شود. در این بخش یکی از ارکان مهم وجود بازشوها

رنجبر، ۱۳۹۴). در این بافت، بخش مسکونی بیشترین سهم را در اسکان جمعیت داشته که این خود موجب فعال بودن بخش‌های خدماتی در بافت قدیم بوده است. سازمان فضایی اولیه شهر دارای الگوی ستاره‌ای ارگانیک با نقطه کانونی مسجد جامع و میدان مجاور آن است و محلات مسکونی در امتداد شریان‌های اصلی هسته مرکزی شکل گرفته‌اند (بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴).

اجزای این بافت با تبعیت از عوامل طبیعی مثل آب، زمین، تابش نور خورشید و نیز عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سیمای خاصی را تا به امروز حفظ کرده است که سبب تمایز آن از سایر شهرها در بخش‌های دیگر مثل شهرهای فلات مرکزی ایران شده است.

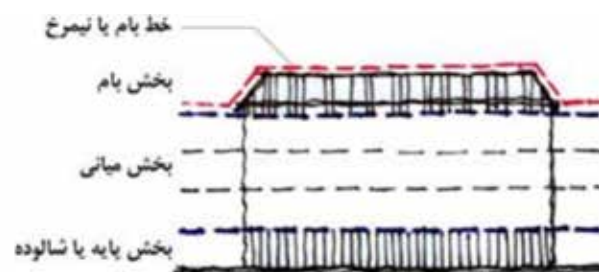
• بدنه شهری

صفحات نما و بدنه شهری یکی از مهمترین جایگاه‌های تعیین هویت در سیمای شهری است. از نظر «ماتین» می‌توان نمای ساختمان را از نظر بصری به سه بخش افقی تفکیک کرد:

به عنوان مصالح بومی منطقه دارد. در بخش بام، با خط آسمان مرکبی از خطوط افقی و شیب‌دار روبه‌رو هستیم، که دارای پوشش سفالی است. لبه بام در این بخش از بدنه نما عموماً دارای پیش‌آمدگی به نام «شیرسر» بوده که این ویژگی در واقع واکنشی به شرایط جغرافیایی شهر گرگان و بارش فراوان باران است. شیرسر نوعی سایبان از جنس چوب است با تزیینات ظریف و زیبا که به موازات بام خانه‌ها و برای کاربردهایی همچون جلوگیری از نور آزاردهنده آفتاب، ایجاد سایه بر روی بازشوها و سرپناهی برای مواقع بارش باران و برف و حفاظت از نمای ساختمان در برابر باران و برف به کار می‌رود. اصطلاح شیرسر نیز می‌تواند مفهومی فرهنگی برآمده از نقش حفاظتی آن در برابر بارش برف و باران باشد (تصویر ۶).

• معابر شهری

کوچه، واشدگاه و مرکز محله، اساس ساختار معابر شهری بافت تاریخی شهر گرگان را تشکیل می‌دهند. در این ساختار، کوچه به عنوان شریان اصلی ارتباطی بین واشدگاه‌ها و مرکز محله عمل می‌کنند. کوچه‌های این ساختار در مقایسه با کوچه‌های بافت تاریخی شهر به مانند یزد دارای نسبت عرض به ارتفاع بیشتری است و از طرف دیگر طول کوچه‌ها نیز کوتاه‌ترند. این ویژگی اساساً یک اقدام اقلیمی در جهت افزایش تهویه طبیعی رطوبت در فضای شهری است. زیرا سبب می‌شود که جریان هوا راحت‌تر در بافت بوزد. از طرف دیگر در نتیجه برونگرایی و ایجاد بازشو و ایوان‌های جلوآمده و شیرسر در لبه بام، جداره کوچه‌ها دارای نوعی ریتم از نظر بصری است که در بخشی حرکت عمودی چشم و در بخشی حرکت افقی آن را منجر می‌شود. همچنین در نتیجه تنوع جداره‌سازی، ترکیبات مختلف از نور و سایه در ساعات مختلف روز در معابر شهری را سبب می‌شود. البته بایستی این موضوع را مورد توجه قرار داد که علی‌رغم تنوع اجزای سیمای شهری در جداره معابر، به دلیل استفاده از مصالح هماهنگ و هم‌جنس، تعادل در بین اجزای به خوبی ایجاد شده است (تصویر ۷). نکته مهم دیگر در ارتباط با معابر شهری، نقش آنها در زندگی آیینی و مذهبی مردم شهر گرگان بوده است. دلیل این امر وجود نشانه‌های مذهبی فراوان در سطح معابر شهری است؛ از جمله سقاخانه و تکایه. همچنین معابر شهری براساس یک الگوی هندسی ارگانیک شکل گرفته‌اند که دلیل این امر ریشه در موضوع نحوه قرارگیری ساختمان نسبت به معابر است. در چگونگی قرارگیری ساختمان عواملی نظیر حدود مالکیت زمین، توانایی اقتصادی شهروندان در ایجاد ساختمان، دسترسی به منابع آب زیرزمینی، جهت‌گیری



تصویر ۵. بخش‌های تشکیل‌دهنده بدنه شهری براساس الگوی پیشنهادی ماتین و همکاران. مأخذ: نگارندگان.

در جداره شهری و ایوان‌های بالاخانه‌ای است که با ایجاد فضای نیمه‌باز، سبب برونگرایی در بدنه شهری می‌شوند و در مقایسه با عدم برونگرایی، بدنه نماهای شهری در شهرهای مرکزی فلات ایران بسیار جالب است. برونگرایی بدنه شهری را در نگاه اول می‌توان متأثر از شرایط اقلیم شهر گرگان و نیاز شدید به تهویه طبیعی قلمداد کرد. در گام بعدی بایستی به این مورد توجه کرد که مسلماً این برونگرایی در ایجاد ارتباط بصری با محیط پیرامون و لذت‌بردن از مناظر طبیعی پیرامون به خصوص جنگل‌های اطراف بسیار مؤثر است. از طرف دیگر به واسطه وجود بازشو و ایوان‌خانه‌ها در بدنه شهری، شاهد تنوع بیشتر در جداره شهری هستیم که این امر به جذابیت سیمای شهری کمک چشم‌گیری می‌کند. نکته مهم دیگر در ارتباط با بازشوها و ایوان‌های موجود در بدنه شهری، تناسب آنهاست. این عناصر عمدتاً دارای تناسب کشیده عمودی‌اند که بیشترین برون‌گرایی را فراهم می‌آورند و در کنار دیگر عناصر بدنه نوعی حرکت رو به بالا را در قسمت میانی بدنه سبب می‌شوند. از طرف دیگر در ساخت عناصر ذکرشده عمدتاً از جزئیات و تکنیک‌های چوبی استفاده شده است، که این امر ریشه در فراوانی چوب

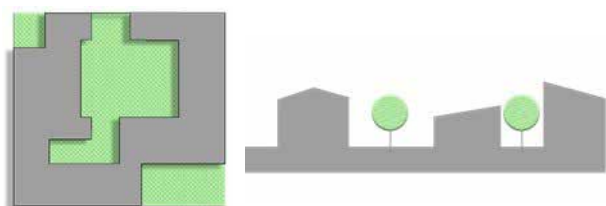


تصویر ۷. تعادل بصری و ایجاد الگوی نور و سایه در معابر شهری. مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۶. بخش‌های تشکیل‌دهنده بدنه شهری بر اساس الگوی پیشنهادی ماتین و دیگران. مأخذ: نگارندگان.

گذشته و با توجه به تغییر سبک زندگی ساکنان، نیازهای آنان و همچنین مسائل اقتصادی در روند نوسازی، تعریض کوچه‌ها و احداث واحدهای مسکونی جدید، بخش دیگری از سیمای شهری ارزشمند بافت تاریخی شهر گرگان از بین رفته و یا دچار آسیب شده است. این فرایند بافت تاریخی و همگن سنتی را به قطعاتی منقطع و فاقد شخصیت محله‌ای تبدیل کرده و نوعی از معماری متفاوت با الگوهای نما و احجام ساختمانی متفاوت با زمینه و بدون پشتوانه محتوایی، شکلی و اکولوژیکی (عطارد و کاشی، ۱۳۹۶) و با استفاده از مصالح جدید را رواج داده. که این موضوع سبب ایجاد ترکیبی ناهمگون و آشفته از عناصر، فرم‌ها، جداره‌سازی‌ها در بافت تاریخی شده است و آسیب فراوانی را از نظر بصری و زیبایی به بخشی از سیمای شهری بافت وارد کرده است. اساسا برای ظهور زیبایی در شهر و فضای شهری، توجه به اصولی که در زیبایی‌شناسی مطرح هستند، از قبیل هماهنگی، ریتم، توازن، تعادل و پیوستگی در بین اجزای شهری ضرورت دارد (بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴). حال آنکه در نتیجه تغییرات و اقدامات انجام‌شده فقدان ویژگی‌های فوق در سیمای شهری بسیار مشهود است. در جدول ۱ نمونه‌هایی از آسیب‌های وارده از منظر زیبایی‌شناسانه مورد توجه قرار گرفته است (جدول ۱).



تصویر ۸. الگوی فضایی ساختمان‌های بافت تاریخی گرگان. مأخذ: نگارندگان.

نسبت به نور خورشید و مناظر پیرامون شهر می‌توانند مؤثر باشند.





• الگوی فضایی ساختمانی

الگوی فضایی ساختمان‌های بافت تاریخی گرگان، ترکیبی از فضاهای باز و بسته است که به صورت توده و حیاط پدید آمده‌اند. این الگو دارای شباهت‌هایی با الگوی حیاط مرکزی ساختمان‌های فلات مرکزی ایران است، اما تفاوت اصلی آن در تعدد عنصر حیاط در ابعاد متنوع در الگوی فضایی ساختمان است. وجود حیاط‌های متعدد در ساختمان به منظور تهویه بهتر هوا و دفع رطوبت با توجه به اقلیم منطقه است. تأمین منظر در فضای اختصاصی ساختمان و نور دیگر کارکردهای متصور از این الگوی فضایی است. در نتیجه نسبت توده به فضای باز در ساختمان‌های بافت تاریخی به نسبت ساختمان‌های کویری زیاد است (تصویر ۸).

بحث

بافت سنتی شهر گرگان با سیمای شهری منحصر به فرد خود همواره، از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی (همزمان با ورود عناصر مدرنیته به جامعه ایران) تاکنون دچار تغییر و تحولات گوناگونی شده که این تغییرات در قالب نوسازی در دوره‌های مختلف تاریخی تخریب بخش‌هایی از آن را به همراه داشته است. اولین اقدام که سبب نابودی بخشی از سیمای شهری و به تبع آن از دست رفتن بخشی از هویت بافت سنتی شهر گرگان شد، احداث خیابان‌های جدید عمود برهم، بر روی بافت قدیمی و تاریخی شهر بود که از میان محله‌ها عبور می‌کرد. وجود این خیابان‌ها در بافت تاریخی شهر علاوه بر این‌که به لحاظ کالبدی باعث تخریب و گسست بافت شد، ساختار سلسله‌مراتبی شبکه معابر و عناصر عملکردی آن را نیز دچار دگرگونی عمیق کرد (بهزادفر و رضوانی، ۱۳۹۴) از طرف دیگر در سال‌های

جدول ۱. نمونه‌هایی از آشفته‌گی و آسیب‌های کالبدی وارد شده بر سیمای شهری بافت سنتی شهر گرگان در محدوده محله سر پیر. مأخذ: نگارندگان.

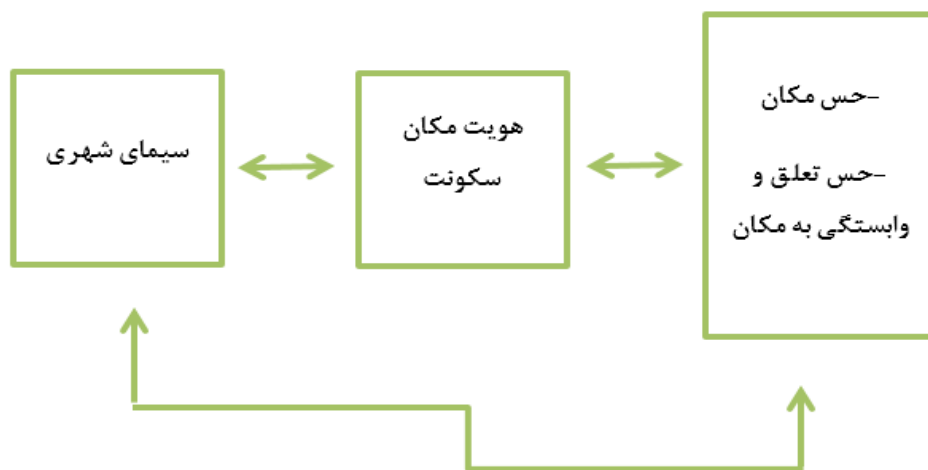
نمونه	چگونگی وارد شدن آسیب	مؤلفه‌های زیبایی مؤثر بر سیمای شهری
	<p>هم‌تراز نبودن و عدم تناسب افقی و عمودی، چه در جزئیات نما و چه در خطوط اصلی بنا نظیر خط بام، عدم تعادل در جداره شهری را ایجاد کرده است.</p>	عدم تعادل
	<p>عقب‌رفتگی‌های ایجاد شده در بافت ناشی از تعریض خیابان، سبب ایجاد بی‌نظمی در سیمای کوچه شده است. ایجاد فواصل نامنظم در دانه‌های همجوار انسجام و پیوستگی بافت را از بین برده است.</p>	انقطاع پیوستگی
	<p>اختلافات ارتفاع بسیار در نما سبب عدم یکپارچگی و تضعیف تداوم بصری در فضا شده است.</p>	عدم توازن
	<p>تنوع و عدم هارمونی رنگ مصالح و عدم توجه به معماری بومی بافت، در محله دباغان قابل مشاهده است. دانه‌هایی که مستقل از دیگری است و ارتباط معنی‌دار و هماهنگی میان آنها دیده نمی‌شود.</p>	ترکیب‌بندی ناهماهنگ

سبب تمایز آن با دیگر سکونت‌گاه‌های بشری می‌شود. بنابراین نبودن و تغییر سیمای شهری در بافت تاریخی را باید با از بین رفتن و بی‌هویتی سیمای شهری جدید در بافت هم‌ارز دانست. این در واقع همان موضوعی است که «مامفورد» و «کریر» نیز به آن اشاره می‌کنند، آنها

اما این آسیب‌های وارد بر سیمای شهری در فرایند نوسازی در دوره‌های مختلف تنها به آشفته‌گی کالبدی وجه بصری آن محدود نمی‌شود، همان‌گونه که بیشتر بیان شد سیمای شهری در واقع متأثر از عوامل طبیعی و محتوایی است که هویت خاصی را برای شهر پدید می‌آورند و همین ویژگی

این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که سیمای شهری و اجزای موجود در آن نمود شخصیت، منش، کارکرد، نوع نگاه و فرهنگ ساکنان یک شهر بوده و از آنجایی که یکی از مهم‌ترین زمینه‌های احراز هویت انسانی ارتباط او با ساخته‌هایش و مؤلفه‌های فرهنگی، طبیعی و کالبدی محیطش است، هرگونه دگرگونی در سیمای شهری و اجزای آن به تحول هویت وی و یا از بین رفتن و انقطاع آن منجر خواهد شد (آتشین‌بار، ۱۳۸۸). از طرف دیگر عدم خوانش هویت منحصر به فرد از سیمای شهر، از دست‌دادن حس مکان، بی‌تعلقی و عدم وابستگی به مکان را به دنبال خواهد داشت زیرا بین شکل‌گیری احساس‌های بیان‌شده به مکان با هویت مکان سکونت ارتباط متقابلی برقرار است (گلکار، ۱۳۸۷)، در نتیجه باید انتظار داشت که از بین رفتن هویت سیمای شهری در بافت تاریخی به از بین رفتن حس تعلق، وابستگی و نادیده‌گرفتن فرهنگ انسانی در منظر شهری منتهی می‌شود (تصویر ۹).

نوسازی شهری عصر مدرن را به لحاظ فضایی، کالبدی، فاقد شخصیت دانسته و مسئله اصلی شهرسازی مدرن را مسئله هویت تلقی کرده‌است. همچنین شهرهای گذشته را واجد وحدت بصری می‌دانستند که با فرم‌هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافتند، شیرازه زندگی جوامع را به وجود می‌آوردند. ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک و مفید برخاسته از دستورالعمل‌ها و استانداردهای یکسان شهرسازی جای تنوع گذشته را فراگرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند. اما امروزه این شخصیت و موجودیت از میان رفته و همه آنها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل شده‌اند (دانشپور، ۱۳۸۳، ۶۳؛ کریئر، ۱۳۸۹) که هیچ هویتی را از ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و طبیعی-اکولوژی بستر خود منعکس نمی‌کنند. این عدم انعکاس به مرور سبب بی‌هویتی سیمای شهری می‌شود که در بسیاری دیگر از بافت‌های نوساز شهری مشاهده می‌شود.



تصویر ۹. ارتباط بین سیمای شهری، مفهوم هویت و مفاهیم مرتبط با مفهوم سکونت در منظر شهری. مأخذ: نگارندگان.

همچنین در نتیجه اقدامات نوسازی در بافت تاریخی، سیمای شهر هویت‌مند آن دچار تخریب و تحول شده است که این موضوع علاوه بر آسیب‌های کالبدی و عدم همخوانی با بافت، به انقطاع هویت مکان در سیمای شهری و از بین رفتن حس مکان و در نتیجه حس تعلق و وابستگی به بافت تاریخی در بین ساکنان محله‌های تاریخی منجر می‌شود.

فهرست منابع


- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). تداوم هویت در منظر شهری. *باغ نظر*، (۶) ۱۲، ۴۵-۵۶.
- بهزاد فر، مصطفی و رضوانی، نوشین. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی

جمع‌بندی

همان‌گونه که بیان شد عواملی که سبب شکل‌گیری هویتی خاص برای سیمای شهری می‌شوند، متأثر از عوامل اقلیمی و منطقه‌ای است. در این میان شاید بتوان تقدم را بر شاخص اقلیم نهاد زیرا اساساً انسان در ابتدا به دنبال یافتن راهی است که با طبیعت و اقلیم محیط سکونت خود رابطه‌ای سازگار را شکل دهد. با بررسی بافت تاریخی گرگان، می‌توان تأثیر عامل اقلیمی بر شکل‌گیری هویت شهر را درک کرد زیرا بسیاری از اجزای سیمای شهر در واقع پاسخی به وضعیت جغرافیایی و بستر شهر گرگان بوده‌اند؛ گرچه عامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نیز در هویت‌بخشی سیمای شهری متأثرند.

طیبیبیان) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 • کریتر، لئون. (۱۳۸۹). *معماری اختیار یا سرنوشت*. (ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی)، تهران: روزنه.
 • کسروی، رضا. (۱۳۹۱). *سیمای دستوری؛ شهر سفید، هویت جدید عشق آباد*. منظر، ۴(۲۰)، ۵۰-۵۵.
 • گلکار، کوروش. (۱۳۸۷). *محیط بصری شهر؛ سیر تحول از رویکرد تزئینی تا رویکرد پایدار*. علوم محیطی، ۴(۵)، ۹۵-۱۱۴.
 • لینچ، کوین. (۱۳۸۰). *تئوری شکل شهر*. (ترجمه سید حسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران.
 • محرمی، توحید. (۱۳۸۳). *هویت ایرانی-اسلامی ما در هویت ایران*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
 • منصور، سید امیر. (۱۳۸۳). *نقدی بر بیانیه سیما و منظر شهری: تجارب جهانی و چشم انداز آینده*. باغ نظر، ۲(۱)، ۹۲-۹۶.
 • موسوی سروینه باغی، الهه‌السادات؛ مرادی، نینا و رنجبر، احسان. (۱۳۹۴) *گونه‌شناسی کالبدی میدان‌ها مرکز محله در بافت‌های تاریخی گرگان*. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی* ۲۱(۲)، ۶۷-۷۸.
 • نصر، طاهره. (۱۳۹۶). *جایگاه نشانه‌های شهری در واکاوی مؤلفه‌های هویت و فرهنگ در سیمای شهر ایرانی (مطالعه موردی: بررسی سیمای شهر شیراز)*. *هویت شهر*، ۱۱(۲۹)، ۱۷-۲۸.
 • نگارستان، فرزین؛ تیموری، محمد و آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۹). *تئوری منظر، رویکردی بر تداوم هویت در ورنند نوسازی شهری*. *باغ نظر*، ۱۴(۷)، ۵۹-۶۸.
 • واعظی، مهدی و علیمردانی، مسعود. (۱۳۹۷). *مفهوم هویت و رویکرد فلسفی به هویت و ماهیت شهر*. *باغ نظر*، ۱۵(۶۲)، ۵۶-۴۷.

هنجارهای ریخت‌شناسی شهرسازی اسلامی در بافت تاریخی گرگان، مورد کاوی: محله سرچشمه شهر گرگان. *پژوهش‌های معماری اسلامی* ۳(۳)، ۳-۲۰.
 • پارک، ازرا. (۱۳۸۵). *مفهوم شهر ۲. مطالعات شهری و منطقه‌ای، رفتار انسانی در محیط شهری*. (ترجمه گیتی اعتماد). تهران: گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای چاپ اول.
 • پیران، پرویز. (۱۳۸۴). *هویت شهرها: غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده*. *مجله آبادی*، ۱۵(۴۸)، ۶-۹.
 • دانشپور، سید عبدالهادی. (۱۳۸۳). *درآمدی بر مفهوم و کارکرد هویت محیط انسان ساخت*. *باغ نظر*، ۱(۱)، ۵۹-۷۰.
 • زاهدان، آرش و مسعود لواسانی، منا. (۱۳۹۳). *هویت نما در روند نوسازی؛ تجربه تدوین ضوابط نمای ساختمانی در منطقه ۱۷ تهران*. *منظر*، ۶(۲۷)، ۵۰-۵۵.
 • شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری*. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 • عطارد، فرانک و کاشی، حسین. (۱۳۹۶). *عناصر تشکیل‌دهنده نماها و جداره‌های شهری*. *آرمان شهر*، ۱۰(۲۱)، ۱۷۳-۱۹۲.
 • غراب، ناصرالدین. (۱۳۹۰). *هویت شهری*. تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
 • فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۸۵). *شکل‌گیری معماری در تجارب ایران و غرب*. تهران: فضا.
 • قلیچ‌خانی، بهرام؛ اعتصام، ایرج و مختاباد امرئی، سید مصطفی. (۱۳۹۲). *تحلیل تحولات کالبدی خانه‌های گرگان در دوران قاجار*. *هویت شهر*، ۷(۶۲)، ۱۶-۵۱.
 • کالن، گوردن. (۱۳۸۷). *گزیده منظر شهری*. (ترجمه منوچهر

<p>COPYRIGHTS Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).</p>	
<p>نحوه ارجاع به این مقاله مقصودی، امین، سراجیان نامی، میترا، نظری، زهرا، توکلی، مهدی، حاج عبدالباقی، فرزانه، متمسک، فاطمه و مجتبی، کیمیا. (۱۳۹۹). <i>سیمای شهری انعکاسی از هویت شهر ارتباط مفهوم هویت و سیمای شهری در بافت سنتی شهر گرگان</i>. <i>مجله هنر و تمدن شرق</i>، ۸(۲۷)، ۶۷-۷۶.</p> <p>DOI: 10.22034/jaco.2020.217716.1141 URL: http://www.jaco-sj.com/article_105127.html</p>	